گفت‌وگو با حمیده مروج همسر محمدرضا عارف رییس کمیته زنان بنیاد امید ایرانیان:

مشکل جامعه زنان وزارت نیست

کسانی که این روزها هجمه می‌کنند واقعا بدنبال مطالبات زنان هستند یا پست و مقام؟!

زهره آشتیانی


عکس: مهدی حسنی، شرق

برای اولین‌بار در لابی هتل سیمرغ تهران به همراه دکتر عارف دیدمش با انگیزه‌ای بالا و پرانرژی در کنار همسرش وارد عرصه انتخاباتی شده بود که حرف‌وحدیث‌های بسیاری داشت. شاید از آنجا بود که به‌عنوان همسر دکتر عارف معرفی شد چراکه تا قبل از آن هرچند سال‌ها همسرش در کسوت معاون‌اول خاتمی حضور داشت یا در دو سال آخر دولت هاشمی بر صندلی ریاست دانشگاه تهران تکیه زده بود، ولی چندان وارد عرصه سیاست نمی‌شد و روزها سرگرم کار تخصصی خود در قامت یک پزشک متخصص پوست و مو بود؛ دکتر حمیده مروج که این روزها نیز پس از روزهای شلوغ انتخابات به درمانگاه بیمارستان شهدای تجریش و مطب خویش بازگشته و مداوای بیماران، رسالت اصلی وی است. ولی از این موضوع نباید غافل ماند که وی همواره یکی از دغدغه‌هایش مسایل زنان بوده است چه زمانی که از فعالان انجمن دانشجویی قبل از انقلاب بود و چه زمانی که در قامت یک پزشک حاضر شد؛ عرصه‌ای از مشکلات بسیار که وی انتقادات فراوانی به آن دارد ولی جای تعجب است که در سال‌های متمادی حتی زمانی که همسرش در دولت حضور داشت کسی به تجربه و مطالعه وی در این زمینه توجهی نکرده است و او نیز هرگز انتقاداتش را مطرح نکرده بود؛ گله از مرکز مشارکت زنان، انتقاد از سیاست‌های دولت‌های قبلی نسبت به مساله زنان و بسیاری موارد دیگر که شاید برای اولین‌بار در گفت‌وگوی صمیمانه‌اش با روزنامه «شرق» به آن پرداخته است. این روزها وی گله‌ها و انتقاداتش را در کمیته زنان بنیاد امید ایرانیان پیگیری می‌کند و در تلاش برای نگاه علمی و تخصصی این کمیته به مسایل جامعه زنان ایران است جهت ارایه راهکارهایی مناسب می‌باشد.

قبل از هر سوالی این را بگویم که برای من همیشه جالب بوده معمولا همسران شخصیت‌های سیاسی و چهره‌های شناخته‌شده به‌نام همسرانشان معرفی می‌شوند و کمتر با نام خودشان شناخته شده‌اند! آیا اینطور هست؟

من این را قبول ندارم؛ درباره خود من تا قبل از اینکه من دکتر عارف را در عرصه انتخابات اخیر همراهی کنم، به‌عنوان همسر ایشان معرفی نمی‌شدم بلکه به‌عنوان دکتر مروج شناخته می‌شدم و من را به‌عنوان عضو هیات علمی دانشگاه شهیدبهشتی و فردی محقق که کارهای علمی و تحقیقاتی می‌کند معرفی می‌کردند و در واقع پس از همراهی من با دکتر عارف در هتل سیمرغ تهران در جریان انتخابات اخیر به‌عنوان همسر عارف معرفی شدم و سایت‌ها مطالب مختلفی را درباره من نوشتند.

فکر می‌کنم مهم‌ترین برهه تاریخی که در کنار همسرتان بودید همین انتخابات اخیر بود.

برای بعد از انقلاب این عرصه بود ولی قبل از انقلاب خودم در دانشگاه یک فعال دانشجویی بودم و آشنایی‌ام با آقای عارف و ازدواجم هم به خاطر همان فعالیتم و شناخته‌شدنم در حوزه فعالیت‌های سیاسی و دانشجویی بود. من وقتی در آمریکا با ایشان ازدواج کردم ایشان یک فعال سیاسی بودند و من هم یک فعال سیاسی و دانشجویی بودم و حتی وقتی انجمن اسلامی برنامه‌ای می‌گذاشتند، از من به‌عنوان سخنران دعوت می‌کردند و تعدادی سخنرانی هم در آنجا داشتم. بعد از پیروزی انقلاب بود که ادامه تحصیل دادم و البته بچه‌دار شدم و در این زمان با هم به این تفاهم رسیدیم که یکی از ما در عرصه سیاست فعال باشد و دیگری به امور زندگی سامان دهد.

شنیدم که ماجرای ازدواج شما با دکتر عارف هم جالب بوده، فارغ از سنت‌های موجود در آن دوران!

بله، در حقیقت ما یک ازدواج سنتی نداشتیم. در دوران کودکی همسایه بودیم ولی هیچ‌گاه با هم ارتباطی نداشتیم، بعدها ما به تهران آمدیم و من به دانشگاه رفتم و اصلا ایشان را ندیده بودم و حتی چهره‌اش را به خاطر نداشتم. وقتی که ایشان تصمیم به ازدواج می‌گیرد به بچه‌های انجمن اسلامی دانشگاه می‌سپارد که به‌دنبال همسری هستند که دارای شرایط مدنظر ایشان باشد از جمله اینکه مذهبی، دانشجوی پزشکی و فعال دانشجویی باشد و در واقع ایشان به‌دنبال همسری چندبعدی بودند که بنابراین وقتی انجمن اسلامی فهرستی را به ایشان معرفی می‌کند وقتی که نام من را می‌بینند، خوشحال می‌شود از این جهت که بنده را می‌شناخته و دیگر نیازی به تحقیقات در این مورد نداشته و از طریق رابط دانشجویان با بنده ارتباط گرفتند.

شما جایی گفتید معتقد بودید حضور آقای عارف در انتخابات اخیر به نفع وی و خانواده‌اش نیست، پس چطور شد که با وجود انتقاد به این حضور، ایشان را همراهی کردید؟

در اوایل پیروزی انقلاب همه مبارزان و مردم امید به تغییر داشتند ولی تا مدت‌ها کشور درگیر جنگ بود و با مشکلات زیادی روبه‌رو شدیم، بنابراین انتظار زیادی از دولتمردان نبود و همه به‌دنبال راهکارهایی برای خروج از مشکلات بودند و حتی شب‌هایی بود که آقای دکتر به منزل نمی‌آمدند ولی من اعتراضی نمی‌کردم و تمام خانواده را وقف انقلاب کرده بودیم. پس از پایان جنگ دوران سازندگی شروع شد و با توجه به‌کار سختی که پس از روزهای جنگ پیش‌روی این دولت بود، بازهم توقع زیادی از دولت نبود و امید به این بود که وضع بهتر می‌شود؛ اما شاید مجموع این اتفاقات باعث شد که مردم دچار یک نوع افسردگی شدند و به آقای خاتمی و برنامه‌هایی که داشتند روی آوردند.

یعنی در انتخابات اخیر هم مردم در چنین فضایی قرار داشتند؟

تقریبا. در دوره انتخابات در مصاحبه‌ای که با صداوسیما داشتم که البته هیچ‌گاه این مصاحبه پخش نشد، به این موضوعات اشاره کرده بودم.

چرا پخش نشد؟

ظاهرا همسران دو نفر دیگر از کاندیداها حاضر به مصاحبه نشده بودند که بنابراین مصاحبه‌های دیگر همسران کاندیداها هم هرگز پخش نشد. در آنجا گفتم که علت حضور من در همراهی با آقای دکتر این است که احساس می‌کنم اکنون سال ۵۷ است و باید تغییر صورت گیرد، چراکه جوانی که من با او سروکار دارم و تحصیلکرده و از نخبگان دانشگاهی است تمایلش به خارج از کشور است. به‌نظرم ناامیدی و نگرانی حاکم شده بود و باید امید را برمی‌گرداندیم مانند سال ۵۷ که با امید جلو آمدیم. به خاطر این همکاری کردم وگرنه اول به ایشان گفتم که من با حضورشان مخالفم و ایشان من را توجیه کردند که باید حضور یافت.

اما از حاشیه‌های جالبی که همراهی شما با دکتر عارف داشت مساله حجاب شما بود که در همان زمان بسیاری از سایت‌ها از آن با «ظاهری متفاوت» یاد کرده بودند؛ به نظر شما این نوع انتقادات برخاسته از چه تفکری است؟

من قبل از انقلاب حجابم اینطوری بوده و وقتی نزد امام رفتم با همین حجاب رفتم. نمی‌دانم چرا این تفکر وجود دارد من این تفکر را قبول ندارم و به اعتقادم این تنگ‌نظری‌هایی است که در سطوح پایین وجود دارد وگرنه علما حساب شرعی را قبول دارند.

آیا شده بود در دیدارهایی که با امام داشتید به‌صورت مستقیم درباره مساله حجاب با ایشان صحبت کنید؟

بله، صدای من ضبط‌شده موجود است و کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند می‌توانند به آن نوار گوش دهند. در آنجا از امام سوال کردم که در ایران این شایع شده که وقتی شما بیایید با زور چادر سر زنان می‌کنید و اجازه نمی‌دهید که زنان رانندگی کنند و امام در پاسخ به من گفتند: «حجاب شما مورد قبول من است و این حجاب را قبول دارم و من اصلا نگفتم که زنان سوار ماشین نشوند ولی تنها به پلیس ایران گفتم شب‌ها وقتی زنان رانندگی می‌کنند ممکن است که آنها را بگیرند و اذیت کنند و از این جهت گفتم که مراقب باشند ولی نگفتند که زنان رانندگی نکنند.» اتفاقا امام انسانی با تفکری باز و اندیشه‌ای بلند بودند؛ ولی متاسفانه جوان ما اطلاعات نسبت به اندیشه انقلاب اسلامی ندارد و بنابراین دچار یأس و ناامیدی است.

آنجا از امام سوال کردم که در ایران این شایع شده که وقتی شما بیایید با زور چادر سر زنان می‌کنید و اجازه نمی‌دهید که زنان رانندگی کنند و امام در پاسخ به من گفتند: «حجاب شما مورد قبول من است و این حجاب را قبول دارم و من اصلا نگفتم که زنان سوار ماشین نشوند.»

به خاطر دارم کسانی که به شما انتقاد می‌کردند، گفتند که انتخاب این نوع حجاب الگوبرداری از همسر اردوغان است!

آنها از ما الگوبرداری کردند. قبل از اینکه خانم اردوغان وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شود، در زمانی که آقای عارف معاون‌اول بودند در تمام سفرهای خارجی با همین حجاب شرعی همراه ایشان می‌رفتم. به یاد دارم وقتی برای اولین‌بار به ترکیه رفتیم یکی از موضوعاتی که محل بحث شد حضور یک زن محجبه در سالنی بود که از زمان آتاتورک تا آن زمان به دستور وی هیچ زنان محجبه‌ای واردش نشده بود ولی من با همان حجاب شرعی وارد آنجا شدم و همین حضور من باعث شد که خانم‌های وزرای ترک و دیگر مسوولانی که نمی‌توانستند وارد این سالن شوند به آنجا آمدند و این سرمنشایی شد برای اینکه خانم‌های ترک در دیگر محافل به‌راحتی با حجاب وارد شوند و این درست برعکس مسایلی است که برخی سایت‌ها درباره این موضوع عنوان می‌کنند.

تحلیلی در روزنامه گاردین می‌خواندم که در آن اشاره شده بود حضور خانم رهنورد در عرصه انتخابات ۸۸ موجب شد که آقای احمدی‌نژاد با تاثیر از این فضا به انتخاب وزیر زن در کابینه‌اش بپردازد و حتی حضور شما را ایده‌برداری از این موضوع دانسته بود؟

ببینید من تا قبل از اینکه با آقای دکتر همراه شوم وارد حوزه سیاسی نمی‌شدم و بیشتر علاقه به‌کار تخصصی خودم دارم ولی چیزی که بسیار عذابم می‌داد این بود که منابع مالی زیادی که ما در کشورمان داریم هزینه مواردی نابجا می‌شود و این در حالی است که ما همواره شاهد حضور زنان و کودکانی در کنار خیابان هستیم که دستفروشی می‌کنند که این معضل در این هشت‌ساله آقای احمدی‌نژاد بیشتر شد و این مدت دایم به این فکر می‌کردم آیا شهرداری با این درآمد هنگفتی که دارد نمی‌تواند به‌جای هزینه‌های تبلیغاتی خاص به ساماندهی این مساله بپردازد. من فکر کردم اگر کنار دکتر عارف باشم شاید بتوانم این ایده‌ها را اجرا کنم. بنابراین از دیدگاه من این مهم نیست یک زن یا مرد در پستی قرار گیرد بلکه باید یک فرد توانمند که دارای برنامه هست و تفکرش ساختن کشور با اتکا به دانش است، در جایگاه مدیریتی قرار گیرد چراکه اکنون کشور در روزهای اول انقلاب نیست که بخواهیم تجربه کنیم. بنابراین اشتباه محض دولت قبل این بود که از آدم‌های بی‌تجربه استفاده کرد.

پس می‌توان گفت ارایه طرح تفکیک جنسیتی که پس از دانشگاه‌ها برای بیمارستان‌ها هم مطرح شد از بطن همین بی‌تجربگی زاده شد؟

بله و جامعه پزشکان این را قبول نداشتند چراکه برنامه‌ای از روی تفکر و تجربه علمی نبود. ولی خوب ممکن است این طرح هم بد نباشد که بیمارستانی مختص زنان داشته باشیم. البته این را بگویم که خانم دستجردی را تنها مرد کابینه می‌نامیدند و ایشان زن توانمندی هست. خانم دستجردی از همکلاسی‌های دوران دبیرستانم بود که هم توانمند و هم سخنور خوبی هستند و به اعتقاد من علت برکناری ایشان هم همان توانمندی‌شان بود.

با وجود اینکه دولت احمدی‌نژاد بیشتر به تفکیک جنسیتی یا اجرای طرح‌های عفاف و حجاب پرداخت و دولت‌های قبلی تجربه‌های متفاوت‌تری داشتند، به‌نظر شما کدام‌یک از روسای جمهور در پاسخگویی به مطالبات زنان موفق‌تر بودند؟

به‌نظرم دولت‌های آقای هاشمی و خاتمی پاسخگوی مطالبات جامعه زنان بودند و البته به‌ویژه دولت آقای خاتمی.

البته این را فراموش نکنید که در همان دوران آقای خاتمی هم انتقاداتی از سوی جامعه زنان مطرح شد مبنی بر اینکه در این دوره تنها به مشارکت سیاسی زنان یا طرح‌های معدود کارآفرینی پرداخته شد.

بله، در آن زمان بیشتر فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان مطرح بود و حتی خانم خاتمی انجمنی داشتند که درباره کارآفرینی زنان کارهایی می‌کردند و چندباری هم از من دعوت کردند و در جلساتشان شرکت کردم ولی دیدم که آنها ایده‌های خودشان را اجرا می‌کنند و دیگر در آن جلسات شرکت نکردم. در آن زمان من بیشتر روی موضوع سوختگی کار می‌کردم و دنبال کارهای علمی بودم.

بنابراین شما هم ظاهرا انتقاداتی داشتید؟

بله و انتقاد من این بود که باید بیشتر فعالیت‌ها معطوف به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شد.

آیا در همان زمان انتقادات خودتان را مطرح کردید؟

خیر هیچ‌جا انتقاداتم را مطرح نکردم ولی از آن وضعیت راضی هم نبودم.

شاید بنابر آنکه همسر معاون اول دولت بودید در بیان انتقادات احتیاط می‌کردید.

خیر، احساس می‌کردم کسی از من نمی‌خواهد که این مسایل را مطرح کنم چراکه دوستان فکر می‌کردند که زنان صاحبنظری در این عرصه حضور دارند که کارها را به‌درستی انجام می‌دهند.

چرا انتقادات خودتان را در قالب پیشنهاد به دولت ارایه نکردید، بالاخره شما همسر معاون اول دولت بودید و می‌توانستید با بدنه دولت ارتباط برقرار کنید؟

بالاخره دوستان در دولت تا جایی که توان داشتند و بنابر تفکری که بود در این عرصه فعالیت می‌کردند و خانم‌هایی که بودند کارها را پیگیری می‌کردند.

ولی من شنیدم که در همان زمان خانم شجاعی در مرکز امور مشارکت زنان از نظر مشورتی دیگران در این حوزه استفاده می‌کردند، آیا از شما هم دعوتی برای ارایه نظرات مشورتی شده بود؟

نه هیچ‌وقت ایشان مشورتی خواستند و نه من مشورتی دادم چراکه می‌دیدم ایشان تفکرات خودشان را پیاده می‌کنند

یکی از انتقاداتی که آن‌روزها مطرح می‌شد این بود که مرکز مشارکت زنان از مسیر اصلی خودش خارج شده است و فکر می‌کنم این هم یکی از موضوعاتی بود که شما به آن منتقد بودید ولی هیچ‌گاه مطرح نکردید؟

درواقع من این را قبول ندارم که مسایل زنان را با دیدگاه سیاسی مطرح کنیم و مشکلات اصلی اکثریت جامعه زنان که مسایل اقتصادی و خانوادگی است را نادیده بگیریم و به نظر من باید مرکز مشارکت زنان همه این موضوعات را پوشش دهد نه مسایل سیاسی را.

شما در صحبت‌هایتان دوره آقای خاتمی را دوران طلایی حضور زنان در عرصه سیاست و اجتماع دانستید، به نظر شما این دوران در دولت آقای روحانی هم بروز خواهد یافت؟

اکنون اولین روزهای حضور آقای روحانی است و من دیدگاه ایشان نسبت به زنان را نمی‌دانم بنابراین نظری هم نمی‌توانم بدهم ولی این را می‌گویم اگر آقای دکتر عارف رییس‌جمهور می‌شدند بنابر اعتقاداتی که نسبت به توانمندی زنان داشتند جایگاه زنان در عرصه‌های مدیریتی بسیار تغییر می‌کرد و همیشه می‌گفتند که چنانچه رییس‌جمهور شوم حتما سه تا چهار وزیر خودم را از میان زنان توانمند انتخاب می‌کنم.

البته اخیرا در همین زمینه به آقای روحانی انتقاداتی هم شده است.

من از هجمه‌هایی که شده اطلاعاتی ندارم، یعنی انتقاداتی شده که چرا وزیر را زن انتخاب نکرده‌اند من به این نکته اعتقادی ندارم که حتما باید زنی امرد باید بلکه می‌گویم باید از افراد توانمند استفاده شود. ولی مطالبات زنان این نیست که حتما زنان وزیر شوند بلکه می‌گویم جامعه زنانی که در رنج به‌سر می‌برند چون زنان بی‌سرپرست که واقعا مشکلاتی دارند باید مورد توجه قرار گیرند و الان مشکل اصلی جامعه زنان این نیست که وزیر یا مدیر شویم بلکه باید به مسایل اصلی‌تر رسیدگی کنیم.

ولی با وجود اعتقاد شما این موضوع یکی از اصلی‌ترین مطالبات زنان در روزهای اخیر است.

مطالبات کدام زنان، زنانی که اکنون هجمه می‌کنند را می‌گویید؟ در نوشتار همه خوب حرف می‌زنیم که باید مسایل زنان حل شود ولی آیا ما واقعا به‌دنبال رسیدگی به مطالبات زنان هستیم یا اینکه دنبال پست و مقام؟

شنیدم که این‌روزها کمیته زنان بنیاد عالی امید ایران فعالیت خودش را شروع کرده، چه برنامه‌هایی در اولویت این کمیته قرار دارد؟

برنامه‌هایی برای توانمندسازی زنان در عرصه‌های مختلف داریم. طبق این برنامه تلاشمان بر این است با شناسایی خانواده‌هایی که از نظر مالی دارای امکانات مناسبی نیستند به حمایت از آنها بپردازیم و با پشتیبانی مالی دختران بااستعداد آنها را برای تحصیل در مقاطع عالی همراهی کنیم یا اینکه با خانواده‌هایی که دارای تفکرات سنتی مبنی بر عدم حضور زن در عرصه اجتماع هستند به‌عنوان افرادی که خودمان هم مذهبی هستیم صحبت کنیم تا دختران این خانواده‌ها هم بتوانند از امکاناتی برای تحصیل و حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی برخوردار شوند.

آیا در نظر دارید که برنامه‌های تدوین‌شده را در اختیار دولت آقای روحانی هم قرار دهید؟

اگر بخواهند در اختیارشان قرار می‌دهیم. حتی در زمان آقای احمدی‌نژاد هم آقای دکتر عارف پیشنهاد داده بودند که اگر از نظر فکری کمکی می‌خواهید ما به شما کمک می‌کنیم و حتی تعدادی از وزرا می‌آمدند و با ما مشورت می‌کردند ولی فردای آن روز از کار برکنار می‌شدند.

فکر می‌کنید برای انتخابات مجلس بنیاد امید ایرانیان از حضور زنان برای کاندیداتوری در این عرصه دعوت کند؟

حتما همین‌طور خواهد بود.

خودتان چطور قصد ندارید وارد این عرصه شوید؟

خیر من بیشتر تمایل دارم راهکاری ارایه دهم و پشتیبانی کنم.

ادامه از صفحه ۷

امید زنان به تدبیر روحانی

چه خوب بود که روسای مرکز امور مشارکت زنان در سال‌های اخیر بدون حب‌وبغض‌های سیاسی نیم‌نگاهی به آنچه در این مرکز تازه‌تاسیس در دوره اصلاحات شده بود می‌انداختند و از تجربیات مدیرانی امثال زهرا شجاعی‌ها، ابتکارها، محتشمی‌پورها و بسیاری دیگر از زنان فعال که سال‌ها در این حوزه برای احقاق حقوق گم‌گشته زنان ایرانی تلاش کرده بودند، استفاده می‌کردند نه آنکه تلاش‌های انجام‌شده در این حوزه با اتهاماتی چون رواج تفکر بی‌بندوباری غربی یا فمینیسم، نادیده انگاشته شود و سعی بر سیاه‌نمایی سوابق مدیریتی زنانی شود که سال‌ها فعالیت مبارزاتی در کنار دیگر زنان مبارز در عرصه انقلاب را در کارنامه خود دارند. هرچند آقای احمدی‌نژاد با رضایت از این رفتار انفعالی به دفاعی محکم از زنان دولت خود پرداخته و حتی زمانی عنوان کرده بود: «اگر مجلس موافقت می‌کرد، من هفت، هشت زن را در کابینه خود معرفی می‌کردم» و به نظر می‌رسد این دفاع نه از باب حمایت از دغدغه‌های جامعه زنان بلکه از آن جهت بود که با همراهی جمعی از زنان همراه دولت که به باور برخی، نماد تبعیض جنسیتی در سال‌های اخیر بودند اصلی‌ترین دغدغه‌های جامعه زنان که همواره چالشی برای مدیران کشوری بوده است در هاله‌ای از فراموشی و سکوتی عمیق فرو رود. اما اینک در آغازین روزهای دولت تدبیر و امید، فعالان حوزه زنان که در سال‌های اخیر، سکوتی اجباری را تحمل کرده‌اند پیام‌های ویژه‌ای را به اهالی دولت یازدهم رسانده‌اند؛ پیام‌هایی که حامل شکوه و البته امیدواری است. هرچند در این روزهای آغازین فعالیت دولت، انتقاداتی زودهنگام از سوی جامعه زنان به آقای روحانی مطرح می‌شود ولی باید گفت که این شکوه‌ها از سر دلسوزی و تجربه تلخی است که طی این سال‌ها به آن گرفتار شدند؛ امید است آقای روحانی با توجهی شایسته و با تدبیر و امید که شعار دولت اعتدالگرای ایشان است گام‌های مهمی برای تحولی بنیادین در جامعه زنان و پاسخگویی به مطالبات مغفول‌مانده آنها بردارد.

ادامه از صفحه ۸

این مجلس، مردانه است

البته نباید از تاثیر حمایت احزاب، گروه‌ها و ائتلاف‌ها از حضور زنان به‌خصوص در قوه‌مقننه مغفول ماند. چنانکه اکثر قریب به اتفاق مردان راه‌یافته به دوره‌های مختلف مجلس از همین طریق و به‌صورت مشخص از یک فهرست وارد مجلس شورای اسلامی شدند.

طرحی زنانه که هرگز به صحن نمی‌رسد

طرح افزایش تعداد زنان نماینده سال‌هاست که مورد پیگیری نمایندگان زن مجلس است اما چه‌بسا تاکنون توجه ویژه‌ای به تصویب این طرح نشده است، هرچند اخیرا زنان مجلسی صحبت‌های متعددی را در این‌باره با لاریجانی داشته‌اند و گفته می‌شود که رییس مجلس هم تعداد نمایندگان زن در مجلس را ناکافی می‌داند؛ ولی مساله اصلی این است که چرا با وجود آنکه ریاست مجلس به چنین مساله‌ای واقف است تلاشی برای آنکه چنین طرحی را در صحن علنی مجلس به رای نمایندگان بگذارد نمی‌کند، یا اینکه جو مردانه مجلس و سهم‌خواهی‌های احزابی که چهره‌های مردانه در اولویت فهرست‌هایشان قرار دارند و در اغلب موارد تنها حضور یک زن نماد آزاداندیشی‌شان قرار می‌گیرد، اجازه طرح این موضوع را نمی‌دهد! فاطمه رهبر، نماینده سه دوره مجلس و رییس فراکسیون زنان و نایب‌رییس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی از نمایندگانی است که مدت‌هاست به‌صورت جدی این طرح را دنبال می‌کند. وی می‌گوید که با پیگیری این طرح، حداقل ۳۰ نماینده زن به مجلس راه می‌یابند و مسلما به این طریق فشار کاری فراکسیون زنان کمتر خواهد شد و شاید در ارایه طرح‌های حوزه زنان و خانواده و تسریع در تصویب آنها تغییراتی حاصل شود.

پنجره

انجمنی زنانه برای روزنامه‌نگاران زن

حدود ۱۵سال پیش در سال‌های پایانی دولت خاتمی، جمعی از روزنامه‌نگاران زن که با دغدغه‌هایی نو در عرصه مطبوعات گرد هم آمدند، جمعی که دغدغه‌اش بررسی مشکلات روزنامه‌نگاران زن بود و چنین بود که انجمن روزنامه‌نگاران زن با حضور فعال تعدادی زنان روزنامه‌نگار برپا شد.

اما پس از شکل‌گیری دولت اصولگرای احمدی‌نژاد و رویکرد متفاوت این دولت نسبت به حوزه زنان (هرچند که رییس این دولت هرگز آن را نپذیرفت) چراغ انجمن کم‌نور شد و فروغ گذشته را نداشت، چراکه برخورد و تهدید شامل احوال آن هم شد. اما با امیدی که دولت تدبیر و امید با رویکرد تعاملی و مثبت به حوزه زنان ایجاد کرد انجمن روزنامه‌نگاران زن فعالیت دوباره‌ای را شروع کرده است، البته فعالیتی که به قول ژاله فرامرزیان دبیر انجمن هرگز متوقف نشده و تحت شرایط تنها محدودتر بود. این روزها انجمن صنفی روزنامه‌نگاران زن به‌عنوان مرجعی برای بررسی خاستگاه و جایگاه روزنامه‌نگاران زن در ایران نه‌تنها به اعضای گذشته خود اتکایی دوچندان دارد بلکه درصدد است تا با دعوت از روزنامه‌نگاران زن فعال در عرصه مطبوعات حضوری پررنگ‌تر از گذشته را داشته باشد.

پس از پلمب دفتر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران (رزا) امروز تنها انجمن صنفی فعال روزنامه‌نگاری است، که با تعطیلی موقت انجمن روزنامه‌نگاران، این انجمن با عضویت بیش از ۴۰۰نفر از روزنامه‌نگاران زن و مرد تلاش‌های بسیاری برای حضور فعال روزنامه‌نگاران و حمایت از حقوق آنها داشته که بخشی از آن با موفقیت و بخشی دیگر بدون دسترسی به نتیجه به‌صورت مسکوت باقی مانده است.

این انجمن با تلاش زنان روزنامه‌نگار در راستای توسعه مشارکت‌های اجتماعی زنان و ارتقای سطح روزنامه‌نگاری زنان در دهه ۷۰ بعد از اجلاس پکن تاسیس شد.

این اجلاس که نخستین فرصت بین‌المللی برای مشارکت زنان جهان برای مشارکت در راستای تبیین اهداف هزاره و تعیین سال مشخصی برای زنان در سطح جهان بود نوید بسیاری را برای ارتقای سطح مشارکت زنان ایرانی در عرصه اجتماع با خود به‌همراه آورد.

جمیله کدیور، ژاله فرامرزیان، حمیرا حسینی‌یگانه و اشرف گرامی‌زادگان زنانی بودند که با درک شرایط جدید و پیام انقلاب اسلامی برای رشد و تحول مقام زن در جامعه نخستین پایه‌های این انجمن را در سال ۱۳۷۷ را بنیاد نهادند.

این تشکل که در نوع خود بی‌سابقه بود جمعی از صاحبنظران عرصه روزنامه‌نگاری را با کوله‌باری از تجارب به همکاری دعوت کرد و توانست نقش موثری را در توسعه روزنامه‌نگاری و زنان روزنامه‌نگار ایفا کند.

انجمن روزنامه‌نگاران زن (رزا) با انتشار نشریه داخلی صدای زن به سردبیری فروغ میرطهماسبی همچنین بستر تازه‌ای را علاوه بر روزنامه‌های دیگر با تاکید بر نقش اجتماعی روزنامه‌نگاران انتشار داد که در کنار سایت انجمن فرصتی برای تعامل سازنده در عرصه طبع و مجازی فراهم آورد.

این انجمن که با تشکیل مجمع عمومی سه دوره هیات‌مدیره را تجربه کرده در بخشی از سال‌های فعالیت به دلیل برخی موانع نتوانست آنطور که باید در عرصه تعاملات روزنامه‌نگاری فعالیت داشته باشد سال‌های ۸۰ تا ۸۸ فرصت‌هایی بود که انجمن بیشتر در راستای فعالیت‌های


طرح: فیروزه مفتری

صنفی قدم برداشت تا با تکیه بر تقویت بنیه صنفی روزنامه‌نگاران زن زمینه بروز استعدادهای جدید را فراهم کند.

این انجمن هم‌اکنون با هیات‌مدیره پنج‌نفره ژاله فرامرزیان، اشرف گرامی‌زادگان، شهیندخت مولاوردی، زهرا نژادبهرام و فروغ میرطهماسب در بستری از تعامل سازنده ضمن موضع‌گیری‌های صریح و مشارکت در شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان فعالیت‌های خود را در دور تازه آغاز کرده است.

انجمن رزا تصویر مخاطرات و دشواری‌های روزنامه‌نگاری زنان در عرصه اجتماع است اما با تلاش اعضا توانسته حدود دو دهه فعالیت را از خود به یادگار بگذارد امید است در آینده نزدیک با مشارکت بیشتر روزنامه‌نگاران زن فرصت‌های تازه برای تعامل اجتماعی و حمایت از حقوق روزنامه‌نگاران فراهم آید.

این انجمن هم‌اکنون در غیاب انجمن صنفی به بسیاری از نیازهای روزنامه‌نگاران اعم از زن و مرد توجه دارد و امید است با بازگشایی انجمن صنفی این ارتباط تنگاتنگ و موثر باشد. ذکر این نکته قابل توجه است که (رزا) با توجه به کسب مجوز فعالیت از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب توانسته است در کسوت یک تشکل سیاسی نیز خدمات مناسبی را در اختیار جامعه قرار دهد.

مشارکت در انتخابات و معرفی نمایندگان برای کاندیداشدن در مجلس و شورای شهر به‌همراه اعلام مواضع درخصوص اندیشه‌های توسعه‌طلبانه در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی بستری از تعامل را برای زنان روزنامه‌نگار فراهم کرده که شاید بتوان آن را کم‌نظیر دانست.

یادآور می‌شود دو نفر از اعضای شورای مرکزی کنونی (رزا) سه مجله را به‌صورت دوره‌ای منتشر می‌کنند که عبارتند از دوفصلنامه تشکل، ماهنامه حقوق زن و نشریه تازه متولد شده اقتصاد زنان که اولی به صاحب امتیازی و مدیرمسوولی زهرا نژادبهرام و دو تای دیگر به مدیرمسوولی و صاحب‌امتیازی اشرف گرامی‌زادگان است.